

عرفان مداری در نظام ولایی اسلام

سید مهدی اشرفی شهری، مصیب صیادی، دکتر مهدی شوشتری، دکتر غلامرضا خوش نیت.

۱- فوق لیسانس، مدرس دانشگاه قم mahdishoshtari@chmai.ir

۲- دانشجوی دکتری دانشکده اصول الدین قم zarrin1355@gmail.com

۳- استادیار دانشکده شهید محلاتی (ره) قم mahdishoshtari@chmai.ir

۴- استادیار دانشکده شهید محلاتی (ره) قم r_khoshneyat.@yahoo.com

چکیده

پژوهش پیش رو به دنبال پاسخ به این سؤال است که عرفان چه جایگاهی در نظام ولایی اسلام دارد؟ در این پژوهش شاخصه های سکان دار نظام ولایی، کارکردهای ولایت در آموزه های اسلامی بیان شده و پس از تبیین جایگاه ولایت در عرفان اسلامی، شاخصه های عرفان ناب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است که عبارتند از: خدامحوری، عقل گرایی، شریعت گرایی، ذکر الهی، ولایت پذیری، تأسی بر پیر و مراد، ریاضت های مشروع، عبودیت، نگاه مسئولانه به زندگی اجتماعی، محبت و عشق و سازگاری با فطرت، خلقت و ذات انسان. این پژوهش با تبیین ارتباط بین مفاهیم ولایت، فقاہت، عرفان، سیاست، ولی فقیه و شاخصه های عرفان ناب اسلامی به این نتیجه رسیده که بین ولایت ظاهری و ولایت باطنی، پیوند و ارتباط برقرار است و در ولایت فقیه نیز فقیه، علاوه بر آن جهت که فقیه و عالم است ولایت پیدا می کند از جهت علمی و عملی هم استحقاق ریاست و ولایت بر جامعه را دارد.

کلمات کلیدی: عرفان مداری، نظام ولایی، ولایت فقیه، عرفان اسلامی، ولایت

۱. مقدمه

نظام اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت؛ ما را به سوی حکومت و نظام ولایی رهبری می نماید. ساختار نظامی که بتواند زمینه ساز جریان و سریان ولایت به معنی حقیقی از صدر تا ذیل حاکمیت باشد. ساخت عنوان ترکیبی ولایت فقیه که خود نیز مستفاد از مبانی فوق است، به طور دقیق این ظرفیت را در خود دارد. این دو واژه کاملاً جامع و مانع و در عین حال مکمل یکدیگرند.

ولایت در مفهوم عام به میدان آورنده ی محبت و عشق و شور و حال و در مفهوم خاص آن به معنی امامت و هدایت و رهبری است. فقه به معنای عام آن (فقه اکبر) پشتوانه ی نظری و علمی این نظریه و در معنای خاص آن (فقه اصغر) تعیین کننده ی حدود آن است. تلفیق این دو در حیات اجتماعی، بستر عبودیت حقیقی را که عرفان، شرط نخستین آن و سنگ زیرین برای هر دوی آنها (ولایت و فقاہت) است؛ را فراهم می سازد.